

لینک های مفید



عضویت
در خبرنامه



کارگاه های
آموزشی



سرویس
ترجمه تخصصی
STRS



فیلم های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سرویس های
ویژه

(عنوان مقاله : شناخت انسان از رفتار محیطی با تاکید بر حفظ فضای شخصی)

نام و نام خانوادگی نویسنده اول (علیرضا رضایی)

(دانشجوی کارشناسی ارشد معماری)

(Alireza.rezaei35@yahoo.com)

نام و نام خانوادگی نویسنده دوم (دکتر سید باقر حسینی)

(دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی علم و صنعت تهران)

چکیده

نیاز، وابستگی ما انسانها به آنچه بیرون از ما قرار دارد، برای رفع نقایص و کمبودهای درونی، در جهت رشد و اعتلای خود می باشد. انجام رفتار، فرآیندی است که در جریان آن مقاصد ذهنی و بالقوه، به فعل در می آید بر این اساس است که رفتار چیزی جدای از فعالیت در نظر گرفته می شود. بنابراین رفتار ما برآیندی از نیازها، انگیزه ها، قابلیت محیط، ادراک، تصویر ذهنی و در نهایت معنی است که از محیط برای خود ساخته ایم. فضای شخصی، بخشی از محیط پیرامون ما است که فرد غریبه، مزاحم یا غیر صمیمی، اجازه ورود به آن را ندارد و در صورت ورود متجاوز شمرده می شود. این فضا به عنوان یک فیلتر میام ما و دیگران عمل می کند که تعیین می کند چه کسی به ما نزدیک شود و چه کسی دور بماند.

واژگان کلیدی: انسان، رفتار، محیط، فضای شخصی

این مقاله مستخرج است از پایان نامه آقای علیرضا رضایی که با عنوان "طراحی مجموعه مسکونی طبیعت گرا (با بهره گیری از قانون مندی های مسکن سنتی در شهرگران)" که با راهنمایی جناب آقای دکتر سیدباقر حسینی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود در دست انجام است.

Human Cognition of Environmental Behavior with an Emphasis on Maintaining Personal Space

^{۱*}, S.B. Hosseini ^۱A. Rezaei

Architecture MA Student, Islamic Azad University, Shahrood Branch^۱

@yahoo.com^۳ΔAlireza.rezaei

Associate Professor of Department of Architecture, University of Science and ^۲
Technology, Tehran

Abstract

A need is our dependence on what is outside of us, for removing faults and internal deficiencies, in order to grow and improve ourselves. Doing a behavior is a process in which mental and potential purposes comes into action. Accordingly, the behavior is considered something apart from the activities. Therefore, our behavior is an outcome of the needs, motivations, environmental capabilities, perceptions, mental images and consequently the concepts, which we have created from the environment for ourselves. Personal zone (space) is a part of our environment in which a stranger, an intruder or an insincere is not allowed to enter into it, if he does, he is considered as an aggressor (invader). This zone (space), which determine who comes close or stays far from us, acts as a filter between us and others

Keywords: Human, Behavior, Environment, Personal Space

مقدمه

انسانها در طول عمر خود به دنبال رفع کمبودهای درونی، با محیط و افراد پیرامون خود ارتباط برقرار کرده و سعی در بهبود شرایط درونی خود داشته اند. بر این اساس، بسیاری از نظریه پردازان و اندیشمندان، در مورد این وابستگی اظهار نظر کرده اند، امروزه می دانیم که انسان، نه موجودی منزوی و ایزوله، بلکه موجودی وابسته و در ارتباط تنگاتنگ با پیرامون خود است. این وابستگی نیاز نام دارد. (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۵). انسانها در طول زندگی روزمره خود، رفتارهای مختلف و متفاوتی انجام می دهیم. در واقع، ما همواره و در هر لحظه از زمان در حال انجام رفتارهای مختلف هستیم. رفتار راه ارتباط ما با محیط عکس العمل نسبت به آن و جاری ساختن آنچه زمان در ذهن ما وجود دارد در قالب عمل است. رفتار ما برآیندی از نیازها، انگیزه ها، قابلیت محیط، ادراک، تصویر ذهنی و در نهایت معنی است که از محیط برای خود ساخته ایم. از این رو واضح است که فعالیتهای ما تحت تأثیر این عوامل (محیطی و فردی) می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد. (سیاسی، ۱۳۷۱: ۲۶۹). در این میان، ما بخشی از محیط پیرامون خود را خصوصی می پنداریم، حتی اگر در مکان های عمومی حضور داشته باشیم، این فضا، فضای شخصی نام دارد. در واقع، فضای شخصی، بخشی از محیط پیرامون ما است که فرد غریبه، مزاحم یا غیر صمیمی، اجازه ورود به آن را ندارد و در صورت ورود متجاوز شمرده می شود. (آلتمن، ۱۳۸۲: ۹۲-۱۲۱).

شناخت انسان

ما انسان ها در طول زندگی، نسبت به چیزهای مختلف پیرامون خود احساس وابستگی داریم و این وابستگی موضوع جدیدی نیست. انسانها در طول عمر خود به دنبال رفع کمبودهای درونی، با محیط و افراد پیرامون خود ارتباط برقرار کرده و سعی در بهبود شرایط درونی خود داشته اند. بر این اساس، بسیاری از نظریه پردازان و اندیشمندان، در مورد این وابستگی اظهار نظر کرده اند، امروزه می دانیم که انسان، نه موجودی منزوی و ایزوله، بلکه موجودی وابسته و در ارتباط تنگاتنگ با پیرامون خود است. این وابستگی نیاز نام دارد.

نیاز، وابستگی ما انسانها به آنچه بیرون از ما قرار دارد، برای رفع نقایص و کمبودهای درونی، در جهت رشد و اعتلای خود می باشد. نیاز به عنوان محرک انگیزه در انجام رفتارهای مختلف، نقش مهمی در زندگی ما دارد و منشا بسیاری از انگیزه ها و رفتارهای ما است (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۵).

ماهیت رفتار

ما انسانها در طول زندگی روزمره خود، رفتارهای مختلف و متفاوتی انجام می دهیم. در واقع، ما همواره و در هر لحظه از زمان در حال انجام رفتارهای مختلف هستیم. رفتار راه ارتباط ما با محیط عکس العمل نسبت به آن و جاری ساختن آنچه زمان در ذهن ما وجود دارد در قالب عمل است.

بنابراین، انجام رفتار، فرآیندی است که در جریان آن مقاصد ذهنی و بالقوه، به فعل در می آید بر این اساس است که رفتار چیزی جدای از فعالیت در نظر گرفته می شود. در واقع، رفتار انجام یک فعالیت در عمل است. اگر فعالیت شکل انتزاعی و بالقوه ای از یک عمل دارد، رفتار فرم بالفعل و نحوه ی اجرای فعالیت می باشد.

رابطه انسان - محیط

بر این اساس، در نوع و نحوه انجام رفتار دو عامل بسیار مهم تأثیرگذار هستند: محیط (اطلاعاتی که از آن بدست آورده ایم) و فرد (با تمام ویژگی های خود). در عمل پایه و اساس رفتار ما ویژگی های محیط و خصوصیات فردی به صورت توأم است. بنابراین رفتار ما برآیندی از نیازها، انگیزه ها، قابلیت محیط، ادراک، تصویر ذهنی و در نهایت معنی است که از محیط برای خود

ساخته ایم. از این رو واضح است که فعالیتهای ما تحت تأثیر این عوامل (محیطی و فردی) می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد.

به عبارت دیگر واقعیت این امر این است که ارتباط ما با محیط خارج مستقیم نیست و ما برای ارتباط با محیط از فیلتری بین خود و فضاهای بیرون استفاده می کنیم. به این فیلتر یا صافی فضای روانی گفته می شود فضای روانی شامل لایه های متفاوتی از هنجارها، ارزش ها، تجربیات و وضعیت موجود در آن لحظه (نور، دما و ...) و ... می باشد این فضا قسمتی از محیط است که ما را احاطه کرده و با ما ارتباط دارد. ما برای ادراک هر چیزی مجبوریم آن را از این فیلتر عبور داده و آن را احساس و ادراک کنیم. در نهایت برای واکنش (رفتار) در مقابل محیط نیز اعمال خود را از این فیلتر عبور می دهیم. بنابراین تأثیر و تأثر محیط بر ما به صورت غیر مستقیم و از طریق این فضا صورت می پذیرد (سیاسی، ۱۳۷۱: ۲۶۹)

انواع رفتار محیطی

بنابراین، در مواجهه با محیط، ما اغلب اطلاعات کسب شده را با معیارهای ذهنی خود مقایسه می کنیم و بر اساس نتیجه گیری که از این مقایسه داریم رفتار خاصی را انجام می دهیم. اما انتخاب نوع رفتار عمدتاً بر اساس هدف ما از انجام یک رفتار است. در واقع این هدف های ما هستند که تعیین می کند در هر موقعیت چه رفتاری را از خود بروز دهیم. بر این اساس رفتارها به انواع مبتنی تقسیم می شوند که هر یک ویژگی خاص خود را دارند و بر اساس این ویژگی ها می توان آن ها را تقسیم بندی نمود.

یکی از جنبه های مهم تقسیم بندی رفتارها، دسته بندی آنها بر اساس انگیزه انجام آنهاست. بر این اساس می توان انواع رفتار را به رفتارهای خودآگاه و ناخودآگاه تقسیم کرد.

منظور از رفتار خودآگاه آن دسته از رفتارهایی است که ما تحت تأثیر تجارب، دانش، مهارت ها، و اطلاعاتی که از محیط پیرامون خود کسب کرده ایم، از خود بروز می دهیم. این دسته از رفتارها در برگیرنده بسیاری از رفتارهای روزمره و معمول ما است که آنها را انجام می دهیم و می دانیم که تحت تأثیری چه عواملی و چگونه آنها را فرا گرفته ایم. انگیزه انجام این رفتارها یک نیروی خودآگاه است. (شولتز، ۱۳۸۵: ۵۷).

رفتار فضایی

ما به طور معمول به اهمیت و معنی رفتارهای خود توجه می کنیم و یاد گرفته ایم که با دیگران چگونه رفتار کنیم، اما بیشتر اوقات به رفتار فضایی خود در زندگی توجه نمی کنیم، تا این که چیزی غیر معمول رخ دهد و توجه ما را جلب نماید. فرض کنید در یک کوچه خلوت هستید که تقریباً خالی است. شخصی وارد می شود. و از بین آن همه فضا، دقیقاً در کنار شما می ایستد، چه احساسی از این کار به شما دست می دهد، آیا احساس ناراحتی نمی کنید؟ یا از خود نمی پرسید چرا در بین این همه جای خالی، این محل را برای ایستادن انتخاب کرد؟ حتی برخی از ما ممکن است جای خودمان را تغییر دهیم تا احساس راحتی از دست رفته مان را دوباره به دست بیاوریم (آلمن، ۱۳۸۲: ۲۵۴).

خلوت

بسیاری از ما در طول زندگی روزانه خود، گاهی نیاز به تنها بودن را احساس می کنیم و این تنها بودن را به خلوت تعبیر می کنیم. اما باید توجه داشت که در روانشناسی محیط خلوت، صرفاً به تنها بودن و دوری از دیگران اشاره ندارد. واقعیت امر این است که خلوت فرآیند تنظیم رابطه میان افراد است که به واسطه آن بر تعامل خود با دیگران کنترل داریم (آلمن، ۱۳۸۲: ۲۵۴).

یکی از مهم ترین عواملی که در تأمین خلوت مؤثر است، فاصله است. ما در شرایط مختلف فواصل مختلفی میان خود و دیگران رعایت می کنیم. وجود این فواصل به ما کمک می کند که احساس کنیم ارتباط با دیگران را تحت کنترل داریم و در فاصله میان خود و دیگری امکان انجام رفتارهای دلخواه را داریم. برای نمونه نزدیکی و برقراری رابطه ی خیلی نزدیک و رودررو

فرصت بسیاری را برای برخورد جسمی، تماس بصری، حس کردن بوی فرد و احساس گرمای بدن او را فراهم می کند؛ اما فاصله ی زیاد از غنای رابطه به شدت می کاهش (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۱).

فضا شخصی

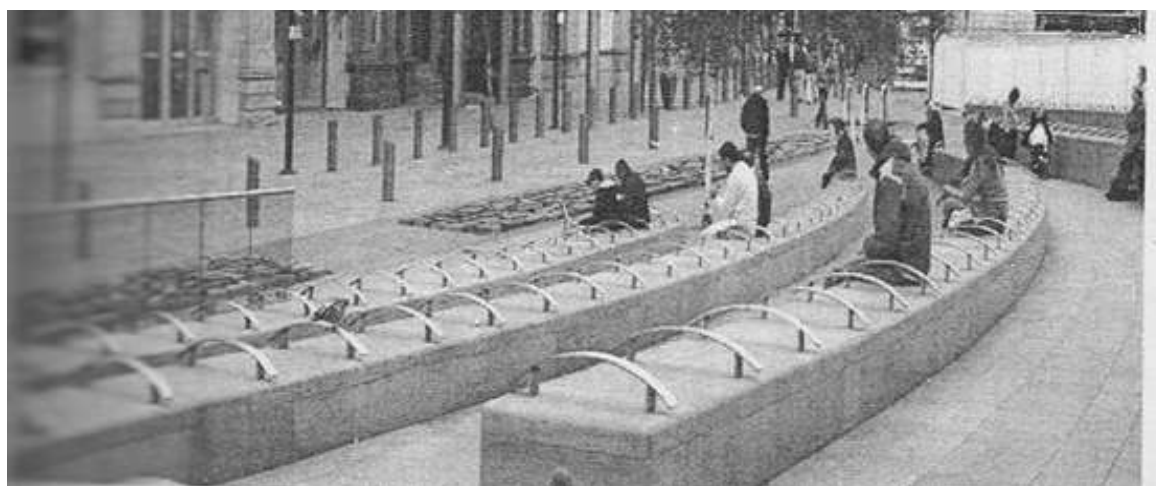
بسیاری از ما، در مواجهه با سایرین و به ویژه در فضاهای همگانی احساس های مختلفی را تجربه می-کنیم. گاه نزدیک بودن افراد غریبه به خود را بهنجار و آزاردهنده می یابیم و گاه از فاصله گرفتن دوستانمان از ما رنجیده خاطر می شویم. این به معنای آن است که ما فضای پیرامون خود را به نحوی درجه بندی می کنیم که از عمومی ترین تا خصوصی ترین بخش ها از ظاهر، رفتار و احساسات خود را در درجات مختلف فضا به اشتراک می گذاریم.

به عبارت دیگر، ما به گونه ای با محیط پیرامون خود ارتباط داریم که بخش هایی از آن را که نزدیک تر به ما هستند خصوصی تر و بخش های دورتر را عمومی تر می پنداریم. بر این اساس، بسته به میزان صمیمیت، افراد خاصی را به درون هر یک از این فضاهای درجه بندی شده راه می دهیم. (هال، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

در این میان، ما بخشی از محیط پیرامون خود را خصوصی می پنداریم، حتی اگر در مکان های عمومی حضور داشته باشیم، این فضا، فضای شخصی نام دارد.

در واقع، فضای شخصی، بخشی از محیط پیرامون ما است که فرد غریبه، مزاحم یا غیر صمیمی، اجازه ورود به آن را ندارد و در صورت ورود متجاوز شمرده می شود. این فضا به عنوان یک فیلتر میام ما و دیگران

عمل می کند که تعیین می کند چه کسی به ما نزدیک شود و چه کسی دور بماند. از آنجا که این فضا، مرزی روانی و غیرمادی دارد، برای مشخص کردن آن سعی می کنیم نسبت به نزدیک شدن سایرین عکس العمل هایی بروز دهیم تا نشان دهیم چنین فضای وجود دارد و مرزهای آن کجا است. آلتمن معتقد است که ما این عکس العمل ها را به صورت فاصله گرفتن، تغییر زاویه قرار گیری، پرهیز از برخورد نگاه و یا موانعی مانند میز از خود بروز می دهیم (آلتمن، ۱۳۸۲: ۹۲-۱۲۱).



امکان نظارت بر فضای شخصی در فضاهای همگانی

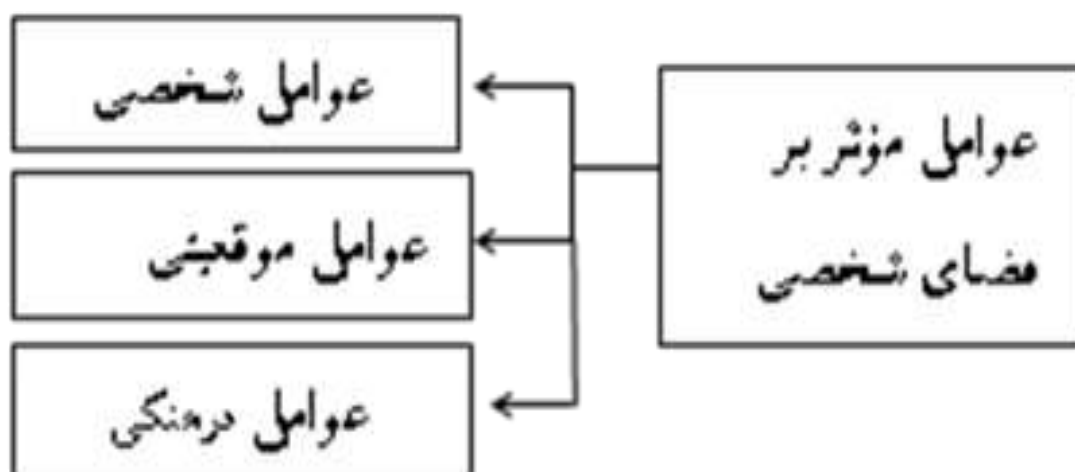
بنابراین، ما با انجام برخی رفتارها؛ به سایرین اطلاع می دهیم که مرزهای فضای شخصی ما کدام است. بر این اساس است که جان لنگ نیز معتقد است که فضای شخصی سازوکاری برای دست یافتن به نظارت بر تعامل میان فردی و دستیابی به خلوت دلخواه است (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

بدین ترتیب، فضای شخصی و حفظ آن نه تنها مطلوب بلکه ضروری است و مانند دیگر سازوکارهای نظارت بر خلوت ویژگی های خاص خود را داراست. اولین ویژگی فضای شخصی این است که این فضا مانند حبایی است که با فرد جابجا می شود. (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۱۵۳). بنابراین، این فضا کمتر به مکان و بیشتر به فرد وابسته است. به همین سبب است که بیش از آن که نمودهای مادی داشته باشد یک محدوده روانی است.

دومین ویژگی فضای شخصی این است که این فضا بسته به موقعیت بزرگ یا کوچک می شود. (مک اندرو، ۱۳۸۷: ۱۵۳ Gifford). فضای شخصی ما در خانه بسیار بزرگ تر از محل کار یا فضای شهری است، چرا که در موقعیت های عمومی احساس می کنیم فضا را با افراد غریبه شریک هستیم و حق داشتن فضای شخصی را برای آن ها نیز قائلیم. سوم این که این فضا یک فضای بین شخصی است. این فضا نه در شرایط تنهایی، بلکه در تعامل با دیگران خود را به ما نشان می دهد به همین تا زمانی که فردی به فضای شخصی ما تجاوز نکرده باشد، از وجود چنین فضایی آگاه نمی شویم (Gifford, ۱۹۹۷: ۱۰۵).

ویژگی چهارم فضای شخصی این است که این فضا به صورت یک کره در اطراف ما نیست، بلکه در جهات مختلف فواصل متفاوتی دارد (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۶۷). به همین دلیل است که رفتار فردی که از پشت سر به ما نزدیک می شود، زودتر از فردی که از روبرو به سوی ما می آید، در ما احساس ناراحتی ایجاد می کند. این موضوع می تواند به این دلیل باشد که کنترل دیداری ما در جهات مختلف متفاوت است و تسلطی که بر نقطه روبرو داریم بسیار بیشتر از نقاط مجاور یا پشتی می باشد. در نهایت، فضای شخصی، فضایی با مرز دقیق برای شروع و پایان نیست. این فضا مانند یک ابر با پوسته منعطف است. به طوری که هنگامی که شخصی به آن وارد می شود به تدریج به حساسیت و احساس ناراحتی ما افزوده می شود (Gifford, ۱۹۹۷: ۱۰۵).

متغیرهای مؤثر بر فضای شخصی



به عنوان مثال، کودکان خردسال در مقایسه با بزرگترها خیلی به هم بازی میکنند و بیشتر یکدیگر را لمس مینمایند. همچنین زنان بیش از مردان از تعاملات نزدیک استفاده میکنند. عوامل موقعیتی: وقتی که فردی وارد یک محیط می شود، فضای شخصی اش تحت تأثیر عوامل جدیدی قرار می گیرد. این عوامل محیطی از دو نوع هستند، عوامل اجتماعی و فیزیکی. عوامل اجتماعی به کیفیت روابط بین فردی افراد و موقعیت جغرافیایی فرد در بین آن ها می پردازد و محیط فیزیکی شامل تمام نسبت های غیر اجتماعی محیط می شود. عوامل فرهنگی: نکته مهم در مورد فرهنگ این است که چهار حبایی که حال

تعریف کرده بود. سلسله مراتب خود را در فرهنگ های مختلف حفظ می کند. اما اندازه آن ها متفاوت است. تئوری فضای شخصی اکتسابی این موضوع را این گونه توضیح می دهد که فضای شخصی از طریق فرهنگ القاء می شود. به عنوان مثال در اسلام فاصله زن و مرد نامحرم نباید از مقداری خاص کمتر باشد. با این وجود ما نباید فراموش کنیم که با وجود تفاوت های فراوان بین فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها فضای شخصی چیزی است که تمام انسان ها دارا می باشند. فضای شخصی چیز است که به مرور زمان آموخته می شود. والدین و دیگر اعضای جامعه به صورت کلامی و غیر کلامی کودکان خود را در مورد مناسب بودن این فواصل آگاه می کنند. (Gifford:117:1997).

نتیجه گیری

در این مقاله به این نتیجه می رسیم که انسان موجودی منزوی و ایزوله نیست بلکه موجودی وابسته و در ارتباط تنگاتنگ با پیرامون خود است. رفتار ما رابطه مستقیم با محیط اطراف دارد. ارتباط ما با محیط خارج مستقیم نیست بلکه فیلتری بین خود و فضاهای بیرون وجود دارد. در روانشناسی محیط خلوت، صرفاً به تنها بودن و دوری از محیط نیست بلکه خلوت تنظیم رابطه میان افراد است که به واسطه آن بر تعامل خود با دیگران کنترل داریم.

منابع

- [1] لنگ، جان افرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۳.
- [2] سیاسی، قاسم. (۱۳۶۳). ابعاد اجتماعی مسکن مرکز تحقیقات و مسکن.
- [3] التمن، ایرون. محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- [4] شولتر، دوان (۱۹۹۸). نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش ۱۳۸۵.
- [5] اتکینسون، هال. زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران. تهران، رشد، ۱۳۸۷.
- [6] مک، اندروید. زندگی فضای میان ساختمانها، ترجمه شیما شصتی، سازمان جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۰.

لینک های مفید



عضویت
در خبرنامه



کارگاه های
آموزشی



سرویس
ترجمه تخصصی
STRS



فیلم های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سرویس های
ویژه